



مخالفت ساف با طرح مصر برای غزه

پس از این اخباری مبنی بر اینکه مصر ابتکار عملی برای پایان دادن به جنگ غزه و تشکیل یک دولت «تکنوکرات» برای مدیریت این باریکه و کرانه باختری ارائه داده است، کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین، «ساف»، مخالفت خود را با چنین طرح‌ها و ابتکار عمل‌هایی اعلام کرد. در نشست که کمیته اجرایی ساف به ریاست محمود عباس، تشکیل داده بود، صحبت‌ها درباره وجود یک ابتکار عمل چندمرحله‌ای برای آینده فلسطین که شامل تشکیل دولتی فلسطینی برای مدیریت کرانه باختری و نوار غزه به دور از ایفای نقش سازمان ساف می‌شود، مورد بررسی قرار گرفت. کمیته اجرایی ساف مخالفت خود را با چنین ابتکار عملی اعلام کرد و تصمیم گرفت کمیته‌ای از اعضای خود تشکیل دهد تا خطرات ناشی از چنین ابتکار عملی را پیگیری کند؛ چراکه به اعتقاد آن این اتفاق بر منافع عالی ملت فلسطین و حقوق مسلم ملی آنها تأثیر می‌گذارد. پیشتر رسانه‌های عربی اعلام کرده بودند که مصر طرح سه‌مرحله‌ای را برای پایان دادن به جنگ غزه پیشنهاد کرده است. در این طرح اینگونه برنامه‌ریزی شده است که پس از آتش‌بس در غزه و در نتیجه گفت‌وگوی ملی میان فلسطینی‌ها تحت نظارت قاهره، یک دولت «تکنوکرات» برای اداره نوار غزه و کرانه باختری تشکیل شود. جهاد اسلامی فلسطین هم پیشنهاد مصر را رد کرده است.



فانتکلین، دانش روزت، سی‌دومین رئیس جمهوری آمریکا از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵

بشکیدگی چشمه‌ایده‌ها و راه‌حل‌ها ب ۲۵ قرن نیست

مبارزه با ایدز، سل و مالاریا را ایجاد کردند. این برنامه‌ها که با در نظر داشتن درس‌های آموخته از ناکامی‌های پیشین طراحی شده بودند، حمایتی گسترده در کنگره و در سراسر جهان به خود جلب کردند. این برنامه‌ها زندگی میلیون‌ها نفر را نجات داده‌اند. با دیپلماسی نگاه کنید، با شروع در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده هماهنگی و هدایت تلاش جهانی پیچیده‌ای را انجام داد تا وضعیت هسته‌ای هند را بپذیرد و یک نسل تجمیع محدودیت‌ها را برداشت. این دیپلماسی روابط را متحول کرد و مسیر تجارت در حوزه فناوری‌های پیشرفته را با کشوری که حالا پرجمعیت‌ترین کشور جهان است، باز کرد.

ایالات متحده، مولد داستان‌های موفقیت اقتصادی هم بوده است. بسیاری، به‌دستی ناکامی‌اش در نظارت و کنترل سفته‌بازی‌ها و اهرم‌های بالای مالی را در بحران مالی جهانی مقصر می‌دانند؛ اما آن‌ها باید به این هم توجه کنند: در حالی که بحران به اروپا گسترده می‌شد، رهبران آمریکایی و اروپایی هر کاری لازم بود کردند تا مهارش کنند، شامل حمایت از تضمین‌های مالی برای جلوگیری از ورشکستگی‌های دولتی و حفظ منطقه یورو از سقوط به ورطه نیستی. پژواک این فروپاشی قاره‌ای به ایالات متحده برمی‌گشت و در نتیجه شاید این موفقیت مانع از تکرار دنباله اتفاقاتی شد که منجر به «افسردگی بزرگ» شد. تازه، قبل از حمله روسیه به اوکراین، کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که اروپا و به‌خصوص آلمان بتواند خودش را از وابستگی به انرژی روسیه‌ها کند؛ با این حال، بعد از شروع حمله، جمع کوچکی از رهبران اروپایی، به‌خصوص آلمانی‌ها، با آمریکایی‌ها کار کردند و پس این چالش برآمدند.

آنچه این موفقیت‌ها نشان می‌دهد یک قضیه امکان است. دولت‌ها هنوز می‌توانند نتایج خارق‌العاده تولید کنند. اما این کار نیازمند تمرکز بیشتر بر «چگونگی» انجام کار خواهد بود. این سه وضعیت اضطراری معاصر را به عنوان نمایش‌های این حقیقت در نظر بگیرید: ناکامی در جنگ علیه کووید ۱۹، وضعیت خطرناک فعلی در اوکراین و چالش‌ها در غزه. در دوران کووید ۱۹، آنچه آشکار شد، فرسودگی ظرفیت‌های عملیاتی در بیشتر بخش‌های دولت ایالات متحده بود. تولید انبوه واکسن بخشی از راهبردهای همکاری جهانی برای تولید و توزیع با افتخار مردم به زدن واکسن نبود. در مقابل پاندمی‌های جهانی، مثل جنگ‌ها، باید با اتحادیه‌های جهانی جنگید. تعداد معدودی کشور واکسن ساختند اما هرگز تلاش متحدی علیه این ویروس شکل ندادند. عملکرد نامیدکننده سازمان جهانی بهداشت، عامل این ناکامی نبود. این سازمان که توسط اعضایش محدود شده بود، ناکامی آن‌ها را بازتاب داد. جنگ با کووید ۱۹ متکی به چند قدرت بزرگ برای کمک به بقیه دنیا بود؛ ایالات متحده، کشورهای بزرگ اروپایی و قدرت‌های بزرگ آسیایی هرگز به شکل کافی و مؤثر همکاری نکردند و هزینه‌اش را هم در کنار دنیا دادند. سیاست‌گذاران، درس چندانی هم برای عملکرد بهتر در آینده نگرفتند. در نمونه جنگ اوکراین، باز هم اینکه چه کار باید کرد، بخش آسان ماجرا بود. آنچه ماند، مسئله چگونگی کار است. اینجا هم دنیا آزاد به شکل کارآمدی نیروها و منابعش را روی هم نریخت و بسیج نکرد. تقاضای کارگیری منابع برای کمک به اوکراین، یک تراژدی است. نه فقط به خاطر رنج اوکراینی‌ها، بلکه به خاطر اینکه بعضی‌ها در دولت ایالات متحده دارند برای حل این مشکلات مربوط به «چگونگی» تلاش می‌کنند. اما درمی‌یابند که بیشتر افراد در دولت‌ها همچنان دارند مثل حالت عادی کار را پیش می‌برند. نوار غزه، ۷۵ سال است مسئله سیاست بین‌الملل بوده است. من بعد از اتفاقات ۲۰۰۵ در وزارت خارجه بودم و روی گزینه‌های سیاسی و مذاکرات با دوطرف کار کردم. «چگونگی» این راهبرد در مقطع کنونی بسیار سخت‌تر است. ترس و نفرت متقابل تشدید شده است. شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در کرانه باختری چندین برابر شده است. ظرفیت‌های مربوط به این کار در آمریکا و دانش چگونگی انجامش هم محدودتر شده است، از جمله در نتیجه اولویت‌های دیگرش.

«طرح مارشال» اروپای غربی را نجات داده بودند و با کمک‌سانی هوایی به برلین به محاصره شوروی غلبه کرده بودند. واشنگتن حتی به نابود کردن آبله هم کمک کرده بود. این دیگر کارهای شگفت‌آور، از فرهنگ حل مسئله در خشان و غیرمتمرکز در کسب‌وکارها و برنامه‌ریزی‌های عمرانی آمریکا نشأت می‌گرفت که در قرن بیستم ظهور کرد. اصل الگویی کسب‌وکار آمریکایی در هر زمان، مهندسی بود. این فرهنگ «می‌توانیم»، نحوه طراحی و مدیریت سیاست‌ها را بهبود بخشید و مشوق عادت‌های محکمی برای مستند کردن کارها بود. این در نتیجه آزمون و خطاهای گسترده و پراسرترس با رقابت‌ها و سردرگمی‌های فراوان ایجاد شده بود.

نسل‌ها گذشتند، قرن به پایان رسید و کار اندکی برای حفظ یا آموزش مهارت‌ها و روتین‌های قدیمی انجام شد. تحلیل‌های مکتوب عملیاتی در جلسات بیشتر با تلاش‌های کمتر برای ثبت وضیعت و تأمل بر آنچه گفته شده، هضم شدند. برخلاف روش‌های آموخته‌شده در مهندسی، فنون کار نیروهای بخش سیاست‌گذاری به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته و مطالعه می‌شود. هیچ متن مرجعی برای هنجارهای کار حرفه‌ای وجود ندارد. سیاست‌گذاری آمریکایی، روالی شده است. موضوع کارش کمتر مهندسی با دقت و بیشتر حدس‌های باده‌ها و عادت‌های اداری است.

در عین حال، زمانی که کوه‌های تقابل ابر قدرت‌ها با پایان جنگ سرد فرو ریختند، کوه‌های باقیمانده کم‌کم به نظر کوه آمدند. پیروزی ناتو و کراسوی در مقابل صربستان کوچک در سال ۱۹۹۵، منبع سال‌ها غرور شد. این احساس در ترکیب با ترس شدید بعد از ۱۱ سپتامبر، سال‌ها دشمنی و کینه‌توزی را در ایالات متحده شروع کرد. علاقه افکار عمومی آمریکا به تعامل خارجی که پیش از آن هم اندک بود، محدودتر و کمتر شد. جریان حفاظت‌گرایی سبیل شد. در دنیای علم و پژوهش، مدوروز نقل عطش ایالات متحده برای امپراطوری، نژادپرستی شایع‌اش، نظامی‌گری بی‌پایان‌اش و کاپیتالیسم حریص‌اش بود. نتیجه ضمنی‌اش این بود که اگر دولت ایالات متحده، چنین نیروی بدنهادی در دنیا است، پس برای همه بهتر خواهد بود اگر در خانه‌اش بنشیند.

حتی در شرایطی که جمعیت اهالی اطلاعات و امنیت در ایالات متحده بیشتر و بیشتر شد، ظرفیت دولت ایالات متحده برای تحلیل و حل مشکلات بیشتر نشد. سمت سیاست‌گذاری ماجرا، با کمبود نیرو و ضعف آموزش مواجه شد؛ مقامات اصلاً آموزش چندانی درباره کار سیاست‌گذاری ندیده‌اند. آن‌هایی که در این زمینه متبحر شده‌اند، معمولاً خودشان به خودشان آموزش داده‌اند. وقتی نیاز به عملیات بوده، باید پیمانکاران استخدام می‌شدند و آن‌ها اغلب بر مشکلات می‌افزودند. گرچه عناصر نظامی همچنان قوی بودند، ساختار این نیروها، ناوهای بسیار گران، اسکاگردان‌های هوایی و تیپ‌های سربازان مستقر در خانه، نمادین ترویج رطرت شدند. تحریم‌های اقتصادی گزینه اول شدند. بیابانه‌ها و شعارها بقیه ماجرا را پوشش دادند.

علیه ابهام

اما مسکن‌های کاغذی برای وضعیت‌های اضطراری امروز دنیا کاری نمی‌کنند. دکترین‌های کلسی «خودداری» یا «واقع‌گرایی»، نشانه نگرش‌ها هستند، نه پاسخ‌ها. جورج مارشال این را خوب می‌دانست. در آوریل ۱۹۴۷ مارشال که به‌تازگی به سمت وزیر خارجه منصوب شده بود و به‌تازگی از سفری طولانی به اروپا برگشته بود، سخنرانی‌ای در رادیوی ملی کرد تا به مردم آمریکا درباره ابعاد تصمیمات لازم در قاره اروپا بگوید. او از آن‌ها خواش کرد، صبور باشند. مارشال هشدار داد: «از مشکلاتی که مستقیم بر دوش آیند تمدن ما هستند، نمی‌توان با حرف‌های کلی یا فرمول‌های مبهم راحت شد، یعنی با آنچه لینگکلن، «انتزاعات مخرب» می‌خواند. این مشکلات نیاز به راه‌حل‌های مشخص و ملموس برای سوالات مشخص و به‌شدت پیچیده دارند.» مارشال و تیمش، در همکاری با گروهی خارق‌العاده از رهبران اروپایی، این راه‌حل‌ها را یافتند و سیستمی خارق‌العاده طراحی کردند که از کالاهای آمریکایی استفاده می‌کرد تا شرکت‌های تازه را در اروپا مستحکم کند و به دولت‌های اروپایی کمک کند، پول لازم برای بازسازی را جمع کنند. در میانه ناکامی‌های چشم‌گیر اخیر در عراق و سپس در افغانستان، ارزشش را دارد به چند روایت موفقیت اخیر هم توجه کنیم. عرصه نظامی را در نظر بگیرید. بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹، بعد از یک سال دست‌وپا زدن، با یاد گرفتن از اشتباهات گذشته و با تعداد نسبتاً کمی سرباز، ایالات متحده به رهبری یک ائتلاف قابل توجه خارجی کمک کرد که سرزمین‌های تصرف‌شده توسط «دولت اسلامی» یا داعش را در شمال عراق و شرق سوریه، آزاد شود.

در عرصه سلامتی جهانی، ایالات متحده و شرکای ما از سال ۲۰۰۳، برنامه‌های اضطراری برای کمک‌ها در زمینه ایدز ایجاد کردند که به نام PEPFAR شناخته شد و نیز «صندوق جهانی

نسل‌ها گذشتند، قرن به پایان رسید و کار اندکی برای آموزش مهارت‌ها و روتین‌های قدیمی انجام شد. تحلیل‌های مکتوب عملیاتی در جلسات بیشتر با تلاش‌های کمتر برای ثبت وضیعت و تأمل بر آنچه گفته شده، هضم شدند. برخلاف روش‌های آموخته‌شده در مهندسی، فنون کار نیروهای بخش سیاست‌گذاری به‌ندرت مورد توجه قرار گرفته و مطالعه می‌شود.

طرح احیا

در سراسر جهان آزاد، دوران فعلی بحران، ناهمخوانی بین نهادهایی که در آغاز این دوران داشت و کیفیت تلاش‌هایی را که اکنون نیاز دارد، در مرکز توجهات قرار داد. بحث‌های مردم درباره منافع ملی، تا حد زیادی از مسائل عملی منقطع است. در میان مدت، دولت ایالات متحده و شرکایش باید این بررسی‌ها کند که نهادهایش، به‌خصوص نهاد‌های غیرنظامی که با مسائل مالی، تجارت، فناوری و کمک‌های بشردوستانه سروکار دارند، واقعاً مناسب‌رسیدن به اهداف ایجادشان هستند یا نه. افراد مدام در حال دیدار و برگزاری جلسه هستند، اما برای انجام و به‌تنبه‌رساندن کارها به مشکل خورده‌اند. در پایان سال ۲۰۲۳، سمت اقتصادی دولت ایالات متحده در حال اتخاذ اقداماتی حفاظت‌گرایانه بود که به همکاری با متحدان در حوزه فناوری‌های سبیز، مواد کلیدی و مدیریت مشترک انقلاب دیجیتال آسیب می‌زد، در همان زمانی که

اخراج دو دیپلمات فرانسه از باکو

وزارت خارجه جمهوری آذربایجان، دو کارمند سفارت فرانسه در باکو را «عناصر نامطلوب» اعلام کرده و آنها را اخراج کرد. وزارت خارجه جمهوری آذربایجان اعلام کرد این دو دیپلمات فرانسوی «بابت انجام اقداماتی که با موقعیت‌شان در تضاد بود، عنصر نامطلوب اعلام شدند.» این وزارتخانه همچنین اعلام کرد، سفیر فرانسه در باکو را احضار و بابت «این رفتار خلاف موضع دیپلماتیک» این دو فرد شکایت کرده است. وزارت خارجه جمهوری آذربایجان جزئیات بیشتری در این باره ارائه نکرده است.



استقرار ناوهای هند در دریای عرب

وزارت دفاع هند اعلام کرد، نیروی دریایی هند ناوشکن‌هایی با موشک‌های هدایت‌شونده را در دریای عرب مستقر کرده است. این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد: سه ناوشکن رادارگریز نیروی دریایی هند در مناطق مختلفی در دریای عرب و با هدف حفظ موضع بازدارندگی و با توجه به حملات اخیر در این منطقه مستقر شده‌اند. در این استقرار همچنین از گشت هوایی-دریایی برای تسلط بر اوضاع استفاده می‌شود. حمله ۲۳ دسامبر ۲۰۲۳ علیه کشتی حامل مواد شیمیایی MV Chem Pluto در اقیانوس هند در حالی انجام شده که نیروی ویژه تحت رهبری آمریکا به دنبال مقابله با تهدیدهای مشابه برای حمل و نقل دریایی در دریای سرخ است. نیروی دریایی هند همچنین اعلام کرد، تحقیقات درباره حمله به این کشتی مرتبط با اسرائیل در حال انجام است. وزارت دفاع هند در ادامه بیانیه خود آورده است، ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد، این حمله به واسطه پهپاد بوده است اما تحلیل‌های بعدی برای مشخص کردن علت دقیق این حمله نیاز است.

باید مدعی گردهم‌آوردن و همراه کردن دنیای آزاد بود. می‌شود سرویس سیاست خارجی ایالات متحده را از لحاظ اندازه، سه‌برابر کرد، درباره ساختار آن بر اساس ساختار کل دولت بازنگری کرد، آموزش‌ها را متحول کرد و هزینه‌های این کار در کلیت بودجه فدرال به اندازه خطای گرد کردن اعداد خواهد بود. آن سوی اقیانوس اطلس، اتحادیه اروپا باید راهبردی بهتری برای رشد شکل دهد، با کمیسیون اروپایی که ساده‌تر و مؤثرتر باشد و فرایندهای تصمیم‌گیری مؤثرتر در شورای اروپایی، هیئت حاکمه دولت‌های عضو اتحادیه اروپا؛ اما تجربه اروپا در سیاست‌گذاری خارجی مشترک موفق نبوده است و دولت‌های ملی باید به‌مواجهه با مسئولیت‌های افزایش‌یافته‌شان در این دوران بحران بر خیزند. از لحاظ قدرت نظامی، اتکای بیش از حد به تعداد اندکی سیستم‌های آمریکایی نفیس و به‌شدت گران، به نظر تاریخ‌گذشته می‌آیند و از پس هزینه‌اش هم نمی‌شود برآمد، حتی برای ایالات متحده. جنگ اوکراین پنتاگون را تشویق به شرط‌بندی‌های بزرگ کرده است، مثل برپایی «ابتکار تکثیر» که بناسد هزاران اسلحه با استفاده از فناوری‌های در حال ظهور را تولید انبوه کند و به میدان بفرستد. در یکی دو سال آینده، اگر آسیای شرقی نسبتاً ساکت بماند و جنگ در خاورمیانه به ایران گسترش نیابد، ممکن است مسیر جنگ اوکراین، نشانه‌ای مهم از روند اوضاع باشد. فرصتی نادر در این درگیری، فرامی‌خواند. مهاجم با اعتماد به نفسی بیش از حد، صدها میلیارد دلار و یورو در دولت‌های تابع قانون به جا گذاشته است و به لطف این اعتماد به نفس بیش از حد، منابع عظیمی در دسترس است. یک فرآیند پر جنبه‌احیامی تواند به اوکراین، آینده‌ای را بدهد که مردمش آرزویش را دارند، صرف‌نظر از اینکه محدودی نبرد به کجا برسد، می‌تواند با این منابع، بار گسترش اتحادیه اروپا را سبک‌تر کرد و جان دویاره‌ای به این پروژه بخشید. انجام درست این کار، چالشی عظیم برای طراحی سیاست است؛ اما یک درس طرح مارشال این بود که موفقیت، موفقیت به همراه دارد.

استعداد عملیاتی که سیاست‌گذاران غربی در قرن بیستم نشان دادند، در ژن‌هایشان نبود؛ بلکه نتیجه تجمیع تجربیاتی به‌سختی جمع‌شده و به همراهش فرهنگ‌های حرفه‌ای‌گری عملی را تقویت می‌کرد، شامل عادات جدید و سخت‌کاری برای همکاری با شرکای بین‌المللی. تنها یک راه برای احیای این مهارت‌ها هست: تمرین دوباره‌شان.